



پرستوها باز می‌گردند

گذری به جشن‌های خیابانی هشتاد سال اخیر به بهانه هشتم آذر ۷۶

می‌دادند. در استقبال‌های عمومی دهه بیست هنگامی که قهرمانان سوار بر جیب‌های روباز از مهرآباد بیرون آمده و در خیابان‌های اصلی پایتخت رژه می‌رفت گاه اتفاقاتی طنزی مثل وارد شدن جیب محمود نامجو به مغازه‌ای در خیابان شاه هم رخ می‌داد که تبدیل به نمک این مراسم می‌شد اما پای ثابت آن مراسم، دعوتنامه‌های قدیمی انجمن تربیت‌بدنی ایران بود که از تریبون رادیو و رسانه‌های مکتوب، تمام برنامه‌های حمایتی را برای استقبال مردمی از بازگشت قهرمانان پیروز به مملکت اعلام می‌کرد. طعم

برای استقبال از قهرمانان و گل سرسبده‌شان آفاتختی، مهرآباد را روی سرشان می‌گذاشتند و در شهر طاق‌نصرت‌ها می‌بستند تا جام جهانی ۱۹۸۶ که نخستین تیلور جشن‌های سراسری، گوش‌های محافل سیاسی را تیز و کشور را تب‌آلود کرد برگزاری چنین مراسمی در صعودهای بعدی نیز تبدیل به یک عادت عمومی درآمد. حتی وقتی که تیم با شکست از اسپانیا به وطن بازمی‌گشت مردم ایران با پیدا کردن بهانه‌ای همچنان در بوق‌زنی‌ها و هورا کشیدن‌ها و شیرینی پخش کردن‌های شان تظاهراتی خرق عادت و برخلاف خرده‌فرهنگ‌های مشابه در کشورهای خارج نشان

و یا مدلی از روانشناسی اجتماعی به خود می‌گرفت و فرهنگ شادمانی جمعی یک کشور را با تکانه‌های بزرگی مواجه می‌ساخت. از نیمه دوم دهه بیست که نخستین مدال‌های جهانی و المپیکی نصیب ورزش ایران شد و انجمن تربیت‌بدنی برای جلب مردم به حضور در مراسم شادمانی‌های همگانی دست به انتشار دعوتنامه‌هایی زد فرودگاه مهرآباد همیشه برای تیم‌های پیروز در صحنه‌های بین‌المللی، میعادگاه کارناوال‌های میهن‌پرستانه فانتزی و قهرمان‌پرورانه بود. چه از نخستین افتخارآفرینی‌های ایرانیان در کارزارهای جهانی کشتی و وزنه‌برداری که مردم



ابراهیم افشار

Ebrahim Afshar

مقدمه: از دهه بیست تا کنون که گسترده‌ترین جشن‌های خیابانی به مناسبت پیروزی‌های بزرگ ورزشی صورت گرفته داستان‌های بسیاری از سر گذرانده‌ایم. داستان‌هایی که گاه وجه ورزشی این شادی‌های عمومی جنبه‌های فراسیاسی